



افتاده گرچه حرمه خروش من
باقی مانده این سؤال به لعل خموش من

راس سنان از سر من پهن تر بود
بیرون زده دو گوش سنان از دو گوش من

همه لطف هیئت به منبره...
شعور در شور...



آیا امام حسین علیه السلام می دانستند که کارشان اثر دارد یا نه؟ برحسب ظاهر، یزید را طرف مقابل امام حسین علیه السلام می دانیم و بالاترین منکرش هم غصب خلافت است. غیر از معاصی دیگرش که شراب خواری و... بود. پس یزید غاصب خلافت است. دیگر چه منکری بالاتر از این وجود دارد؟! حالا آیا امام حسین علیه السلام فکر می کرد نهی از منکر ایشان بر روی یزید اثر می کند و او دست از غصب خلافت برمی دارد؟ نخیر، حضرت می دانستند که این نهی از منکر بر روی یزید هیچ اثری ندارد و او از منکر بزرگی که مرتکب شده، دست برنمی دارد. پس چرا حضرت حرکت کرد و گفت می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم؟ مگر یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر این نیست که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد؟ پس چرا حضرت با اینکه احتمال تأثیر در یزید نمی دادند، باز هم قیام کردند و فرمودند که هدف از این قیام، نهی از منکر است؟ برای پاسخ اجمالی به این سوال باید به دو نکته توجه کرد: یکی اینکه آیا مراد از اثر در نهی از منکر، اثر حالی و فعلی است، یا اعم از اثر حالی و استقبالی است؟ اثر استقبالی یعنی اثری که در آینده بر این نهی از منکر مرتب می شود؛ به این معنا که نهی از منکر من در حال حاضر هیچ اثر فعلی ندارد، ولی سبب می شود که در آینده جلوی تحقق منکر در خارج را بگیرد. حال سوال این است که اگر امر و نهی من اثر فعلی و حالی نداشته باشد، ولی اثر استقبالی داشته باشد، آیا باز هم نهی از منکر واجب است یا خیر؟ پاسخ این است که مراد از اثر، اعم از اثر حالی و استقبالی است. یعنی حتی اگر بدانم این نهی از منکر، الان هیچ اثری ندارد ولی در آینده اثر می گذارد، باز هم واجب خواهد بود. نکته دوم این است که آیا نهی از منکر مشخصاً باید روی فاعل منکر تأثیر بگذارد تا واجب شود؟ مثلاً اگر من می دانم که نهی از منکر روی خود فاعل منکر اثری ندارد، اما وقتی من با او برخورد کنم، روی دیگران اثر می گذارد و باعث می شود که آنها مرتکب این معصیت نشوند، آنوقت چطور؟ آیا آنجا نهی از منکر واجب است یا نه؟ پاسخ این است که همین که نهی از منکر در سطح جامعه، بر روی دیگران اثر می گذارد، کفایت می کند. حالا با توجه به این دو نکته می خواهیم حرکت امام حسین را بررسی کنیم. با توجه به حقایق تاریخی باید گفت حرکت نهی امام حسین علیه السلام دقیقاً اثر گذاشته است و حضرت یقین به تأثیر این قیام داشتند. قیام حضرت قیام صحیحی بود و آثار و برکات و منافع فراوانی برای جامعه اسلامی داشت.

برگرفته از کتاب: سلوک عاشورایی
(منزل دوم - امر به معروف و نهی از منکر)
اثر: حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی (رحمه الله علیه)

انتقادات و پیشنهادات خود را به
آدرس زیر ارسال نمایید:
sangareasemani.110@gmail.com

امام رضا علیه السلام: هر کس در مجلسی بنشیند که در آن،
امر(و خط و مرام) ما احیا می شود، دلش در روزی که دلها
می میرند، نمی میرد.

ویژه نامه محرم



مجلس هفتم:

تقدیم به آستان مقدس حضرت قائم (هج)



یک خاطره از حجت الاسلام قرائتی

زمان طاغوت یکی از علما زندان بود. بنده دیدنش رفتم. پشت میله های زندان گفتم: یک نصیحتی به ما بکن. چیزی یادش نیامد. دومرتبه گفتم: یک چیزی بفرمایید استفاده کنیم. گفت من خیلی مطالعه کردم. همین که من چیزی یاد نمی آید، این بهترین درس است برای تو. خیلی مطالعه کردم اما یادداشت نکردم، از ذهن من پریده است، الان تا بیرون می روی، برو دفترهای متعدد بخر. پشتش بنویس مثلاً دفتر حقوق، دفتر تجارت، دفتر توحید، دفتر اخلاق، دفتر شعر، دفتر خاطره، این دفترها را بخر پشتش را بنویس و روی طاقچه بگذار. هرچه به هر مناسبتی یادت آمد، برو در دفتر خودش بنویس. و پیر که شدی آنوقت می بینی اوه... یک دایره المعارف داری. ما بعد از ملاقاتمان بیرون آمدیم و دفترهای زیادی را خریدیم و پشت همه را نوشتیم و روی طاقچه گذاشتیم. همه دفترهای خالی! یک روز مثلاً می شنیدیم که می گویند: در اقیانوس اطلس یک ماهی پیدا شده که سه میلیون سال عمرش است. تعجب است. سه میلیون سال! خوب من دفتر ماهی که نداشتم، دفتر اقیانوس هم نداشتم. گفتم: این را باید یک جایی نوشت. فکر کردم به دفتر امام زمان می خورد. که اگر کسی گفت: چطور امام زمان ۱۲۰۰ سالش است؟ می گویم: اگر خدا به یک ماهی سه میلیون سال عمر بدهد، حالا به امام زمان هم ۱۲۰۰ سال عمر بدهد.

پیر همه بود اگر چه او کودک بود

صبرش به غریبی پدر اندک بود

دیگر کسی برایش نمانده بود.

کبوتران وفا همه بر اوج آسمان شهادت و وصال پر کشیده بودند و او تک و تنها مانده بود. حال دیگر سپاهی نداشت. او تنها ترین سردار بود. اما نه...!

هنوز سربازی در میان خیمه در نوبت شهادت نشسته بود؛

سربازی شش ماهه.

امام کودک شش ماهه اش را در آغوش کشید و به سوی دشمن روانه شد.

مادری در خیمه در اضطراب انتظار می کشید.

امیدوار که کودکش سیراب برگردد اما...

گویا کبوتر بچه عزم پریدن داشت.

کاش حرمه تیر سه شعبه نداشت...

کاش گلوی سپید علی اصغر در گوشه قنداقه اش پنهان می شد...

تبری رها شد و گلوبی دریده...

گوش تا گوش طفل...

ای خدایِ حر
 هر روز عاشورا است و هر زمینی کربلا و انسان هر لحظه در معرض آزمایش
 و فتنه و بلا، رو سفیدمان کن.
 امشب شب هفتم محرم (شب توبه و استغفار) حر بن یزید ریاحی می باشد.
 ای کسانی که ایمان آورده اید، توبه کنید و به سوی خدا باز گردید، توبه
 ای که بعد از آن بازگشتی به سوی غیر خدا نباشد! (آیه سوره تحریم)



کربلا

اثر: محمدرضا رنجبر



چوب‌ها

چوب‌های نتراشیده و نخراشیده جنگل زخم تیشه و اره و رنده
 را متحمل می‌شوند ولی در عوض در پایان کار صاف و صیقلی
 شده و صفا یافته و قیمتی می‌شوند.
 انسان هم همین‌طور است، یعنی با زخم بلاها و مصیبت‌ها
 صیقل خورده و اهل صفا می‌شود.
 وقتی اصحاب سیدالشهدا به خاک و خون کشیده شدند یکی از
 خطاب‌های حضرت به آنان این بود:
یا ابطال الصفا
ای قهرمانان با صفا.
 یعنی ای یاران من اگر صفایی پیدا کردید به خاطر همین درد و
 رنج‌ها بود. و این یک درسی است برای همه ما که تلخی‌ها و
 مصیبت‌ها را تحمل کنیم تا صاف و صیقلی شویم.
 آن شاعر عرب هم گفته است:
 لله در النائبات فانها صیقل الاحرار دست مصیبت‌ها درد نکند که
 به انسان‌ها آزادی و صفا داده و صیقل می‌زنند.

در محضر امام خامنه‌ای (مدظله العالی)



درباره مسائل مربوط به محرم، دو نوع مطلب وجود دارد: یکی سخن
 درباره نهضت عاشورا است... یک مقوله دیگر مقوله عزاداری
 حسین بن علی علیه‌السلام و برکات احیای ذکر عاشورا است. تحقیقاً
 یکی از مهمترین امتیازات جامعه شیعه بر دیگر جوامع مسلمان، این
 است که جامعه شیعه، برخوردار از خاطره عاشورا است. از همان روزی
 که موضوع ذکر مصیبت حسین بن علی علیه‌السلام مطرح شد،
 چشمه جوشانی از فیض و معنویت در اذهان معتقدین و محبین اهل
 بیت علیهم‌السلام جاری گشت.

Khamenei.ir

کربلای جبهه ما یادش بخیر...



شهید قهرمان گریه‌ای

قهرمان می‌گفت: "من دوست دارم توی این عملیات همه توانم رو بذارم واسه
 پیروزی لشکر اسلام. دست آخر هم مثل امام حسین (ع) شهید شم؛ طوری که
 بدنم توی آفتاب داغ بمونه. پاره‌هاش رو هم کسی نتونه جمع کنه مگه خود آقا".
 عملیات کربلای پنج خبر شهادت و مفقودالاثر شدنش به من رسید. کربلای ۴
 شهید شده بود و جنازه‌اش مونده بود توی جزیره بوارین.
 چند سال بعد جنازه‌اش پیدا شد، بالاتنه نداشت. باقیمانده جسدش رو هم از روی
 پلاکی که به کمرش بسته بود و مهر و تسبیح توی جیبش شناختند.
 خبرش رو که شنیدم بی اختیار یاد حرفای اون روزش افتادم که گفته بود: "دوست
 دارم دست آخر هم مثل امام حسین (ع) شهید شم طوری که بدنم توی آفتاب داغ
 بمونه. پاره‌هاش رو هم کسی نتونه جمع کنه مگه خود آقا".